

تحلیل حقوقی - جرم شناختی مزاحمت جنسی

دکتر امیر پاک‌نهاد ✉

استادیار گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز

چکیده:

مزاحمت جنسی، یکی از اشکال خشونت جنسی و نیز تبعیض علیه زنان است که با افزایش احساس ناامنی اجتماعی، موجب ترس زنان از حضور در جامعه و در نتیجه محدود شدن آزادی‌های فردی و کاهش مشارکت اجتماعی بانوان می‌شود. توسعه شهرنشینی و افزایش حضور زنان در جامعه، بستر را برای شکل‌گیری این آسیب فراهم ساخته و در این فضا، فرهنگ جنسیتی حاکم بر جامعه، سکوت اجباری بزه‌دیدگان و برخی عوامل دیگر، موجب افزایش نرخ مزاحمت جنسی و تبدیل شدن آن به یک معضل اجتماعی عمده شده است. در این مقاله، ابتدا مفهوم مزاحمت جنسی و انواع آن بررسی شده سپس ضمن مطالعه پیامدهای منفی مزاحمت جنسی، به علت‌شناسی و راه‌های پیشگیری از آن پرداخته شده است. با توجه به کثرت وقوع، خرد بودن و دشواری اثبات این جرم، برخورد کیفری فاقد کارایی و کارآمدی لازم جهت کنترل این معضل اجتماعی بوده و موثرترین راهکار، اصلاح فرهنگ جنسیتی و نوع تفکر حاکم بر جامعه نسبت به زن و نیز بهسازی فضای اجتماعی از طریق کاهش زمینه‌های ایجاد مزاحمت در مرتکبین می‌باشد.

کلید واژه‌ها: مزاحمت جنسی، مزاحمت خیابانی، خشونت جنسی، تبعیض جنسی، زن.

۱۳۹۲/۵/۱۰

تاریخ دریافت:

۱۳۹۲/۱۰/۱۹

تاریخ پذیرش نهایی:

✉ پست الکترونیکی نویسنده مسؤول:

am.paknahad@gmail.com

۱. مقدمه:

امروزه تعرض و مزاحمت جنسی بخشی از تجربه اجتماعی روزمره دختران و زنان را تشکیل می‌دهد. پدیده‌ای که آسایش و امنیت این دسته از شهروندان را به مخاطره انداخته و حضور اجتماعی آنان را با مشکل مواجه ساخته است. مزاحمت جنسی ممکن است در محیط کار، دانشگاه و یا فضاهای عمومی چون خیابان، پارک و یا مرکز خرید صورت پذیرد. مزاحمت جنسی طیف وسیعی از رفتارها از نگاه‌های آزاردهنده و یا الفاظ رکیک و ناپسند تا تماس فیزیکی و لمس اعضای بدن را شامل می‌شود. وجه مشترک تمامی این اعمال، عدم رضایت سوژه و لطمه به تمامیت معنوی وی است.

این مزاحمت‌ها از طرف طبقه و یا قشر خاصی نیست. در واقع مزاحمان گروه ناهمگون و متفاوتی هستند که عبارتند از: جوان، نوجوان، میانسال و عموماً در هر شغل و طبقه اجتماعی. این افراد صرف‌نظر از ظاهر یک زن، تحصیلات، پایگاه اجتماعی و یا حتی وضعیت تأهل او، به ایجاد مزاحمت مشغول‌اند و متأسفانه این پدیده تبدیل به یک بیماری اجتماعی همه‌گیر شده است.

مزاحمت جنسی از موضوعاتی است که سابقه تحقیقی چندانی در ایران نداشته و مطالعات بسیار محدودی در خصوص آن صورت گرفته است. ذکایی (۱۳۸۴) در پژوهشی با عنوان «مزاحمت‌های جنسی برای زنان در محیط‌های مختلف» به مصاحبه نیمه ساختار یافته با ۱۴ زن و دختر ساکن تهران پرداخته است. بر اساس این مصاحبه‌ها همه سوژه‌ها تجربه‌هایی از مزاحمت جنسی داشته و بیشترین میزان مربوط به مزاحمت در مکان‌های شلوغ از جمله وسایل نقلیه عمومی است.

صادقی فسایی و رجب لاریجانی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «مطالعه جامعه شناختی آزار جنسی زنان در محیط کار» به روش کیفی به مصاحبه عمیق با ۳۰ زن شاغل در تهران پرداخته‌اند. بر اساس این تحقیق، تجربه آزار جنسی در زمینه‌ای رخ می‌دهد که مناسبات قدرت میان زنان و مردان به شدت نامساوی است. همچنین آزار جنسی به متغیرهایی چون درآمد، سن، وضعیت تأهل، تحصیلات و منزلت اجتماعی سوژه بستگی دارد. زنان جوان و مجرد با تحصیلات پایین بیشتر از سایر گروه‌ها در معرض آزار جنسی شغلی قرار دارند.

صادقی فسایی و رجب لاریجانی (۱۳۹۰) در مقاله خود با عنوان «استراتژی‌های توانمند سازی زنان در مقابله با آزارهای جنسی در محیط کار» به روش کیفی به مصاحبه عمیق با ۸۲ زن شاغل در تهران پرداخته‌اند. بر اساس این تحقیق بیشتر زنان برای مقابله با مزاحمت جنسی از سکوت، مدارا و ترک محیط استفاده می‌کنند که در بیشتر موارد به توقف مزاحمت منتهی نمی‌گردد. تقویت اعتماد به نفس، برنامه‌های آموزشی برای زنان شاغل، حضور

مدیران حمایت‌گر و تقویت‌همیستگی میان زنان از پیشنهادات نویسندگان جهت توانمندسازی زنان در برابر مزاحمت‌ها است.

ایمان و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «زنان، مزاحمت و واکنش: بررسی تجربه دختران دانشجو درباره مزاحمت‌های خیابانی و واکنش به آن» به روش ترکیبی و با استفاده از طرح اکتشافی به بررسی تجارب دانشجویان دختر دانشگاه شیراز و اشکال واکنش آنها نسبت به مزاحمت خیابانی پرداخته است؛ یافته‌های آنان حاکی از آن است که حدود ۷۰ درصد پاسخ‌گویان به مزاحمت‌ها، واکنش منفعلانه نشان می‌دهند. بر اساس این پژوهش افرادی که از تحصیلات بالاتر برخوردارند نسبت به مزاحمت واکنش‌های صریح‌تر و فعالانه‌تری نشان می‌دهند.

با توجه به این سوابق، هنوز هیچ پژوهش حقوقی به شناخت ارکان دقیق این جرم نپرداخته و با وجود شیوع گسترده این پدیده ضد اجتماعی، علل شکل‌گیری و راه‌کارهای پیشگیری از آن نیز مغفول مانده است. هدف نگارنده در این مقاله پرداختن به این ابعاد حقوقی و جرم‌شناختی مزاحمت جنسی است. سوالاتی که مبنای شکل‌گیری این پژوهش بوده‌اند، از این قرارند:

۱. آیا قلمرو شکل‌گیری مزاحمت جنسی محدود به محیط‌های عمومی است؟

۲. آیا رویکرد کیفری راهکار مناسبی جهت کنترل مزاحمت جنسی می‌باشد؟

در پاسخ به این سوالات فرضیه‌های زیر مدنظر بوده است:

۱. برخلاف موضع ماده ۶۱۹ قانون تعزیرات، در عمل مزاحمت جنسی می‌تواند در محیط‌های خصوصی نیز شکل گیرد.

۲. با توجه به خرد بودن، کثرت وقوع و دشواری اثبات مزاحمت جنسی، رویکرد کیفری فاقد کارایی لازم جهت کنترل این جرم است.

مطالب این مقاله به سه فصل تقسیم شده است. فصل نخست با عنوان مزاحمت جنسی و جایگاه آن در حقوق داخلی و اسناد فراملی به تحلیل حقوقی این جرم اختصاص یافته است. بر این اساس در این فصل به ترتیب به شناخت مفهوم دقیق مزاحمت جنسی، انواع آن و رویکردهای فراملی در خصوص آن می‌پردازیم. با توجه به اهمیت بررسی این جرم از منظر بزه‌دیده‌شناسی، فصل دوم به این موضوع اختصاص یافته و طی دو مبحث به بررسی پیامدهای منفی این جرم و واکنش بزه‌دیدگان نسبت به آن می‌پردازد. علت‌شناسی و نحوه پیشگیری از مزاحمت جنسی نیز موضوع فصل سوم را تشکیل می‌دهد.

۲. مزاحمت جنسی و جایگاه آن در حقوق داخلی و اسناد فراملی:

مطالعه جرم مزاحمت جنسی پیش از هر چیز نیازمند شناخت مفهوم دقیق این جرم و وجوه افتراق آن از جرایم مشابه است. در گام بعد، بررسی انواع مزاحمت جنسی و مکان‌های شکل‌گیری آن قلمرو دقیق این جرم را نمایان‌تر می‌سازد. بر این اساس در این فصل ابتدا به بررسی مفهوم مزاحمت جنسی و انواع آن پرداخته (مبحث نخست) و آن‌گاه در مبحث دوم به مکان‌های شکل‌گیری مزاحمت می‌پردازیم. جهت شناخت رویکردهای فراملی نسبت به این پدیده ضداجتماعی، مبحث سوم به مزاحمت جنسی در اسناد فراملی اختصاص داده شده است.

۱.۲. مفهوم مزاحمت جنسی و انواع آن:

۱.۱.۲. مفهوم مزاحمت جنسی:

مزاحمت در لغت به معنای ممانعت، تعرض، معارضه، بازداشتن، تصدیع، آزرده‌گی، زحمت دادن و تنگ نمودن عرصه بر کسی آمده است (دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۱۳/۱۵۶). از نظر اصطلاح حقوقی مزاحمت در سه مفهوم به کار می‌رود:

۱.۱.۱.۲. مزاحمت ملکی:

این جرم در ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی مطرح شده و در کنار تصرف عدوانی و ممانعت از حق، از انواع تعدیات به حقوق ملکی دیگری است.

۲.۱.۱.۲. مزاحمت تلفنی:

این جرم در ماده ۶۴۱ قانون مجازات اسلامی بیان شده و در آن مرتکب از طریق تلفن و یا سایر دستگاه‌های مخابراتی برای دیگری ایجاد مزاحمت می‌کند. این نوع مزاحمت محدود به امور جنسی نیست.

۳.۱.۱.۲. مزاحمت جنسی:

این نوع مزاحمت که موضوع مقاله حاضر است، در ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی مطرح شده و در آن بزه‌دیده به عنوان یک «سوژه جنسی» مورد تعرض و مزاحمت قرار می‌گیرد. البته لازم به ذکر است که رفتارهای آزاردهنده ممکن است به لحاظ ابعاد دیگری از هویت بزه‌دیده نظیر قومیت، نژاد و یا مذهب صورت پذیرد؛ نظیر رفتارهای ناشایستی که با اتباع برخی کشورها در یک جامعه صورت می‌پذیرد. از این رو می‌توان در کنار مزاحمت جنسی انواع دیگری نظیر مزاحمت قومی و مزاحمت نژادی را متصور شد. اما هیچ کدام از این موارد در حقوق ایران جرم‌انگاری نشده‌اند.

در حقوق ایران مزاحمت جنسی نخستین بار در ماده ۳ «لایحه قانونی راجع به مجازات حمل چاقو و انواع دیگر اسلحه سرد و اخلال در نظم و امنیت و آسایش عمومی» مصوب ۱۳۳۶ جرم‌انگاری گردید. در آن زمان بزه‌دیدگان این جرم صرفاً زنان و دختران بودند. در سال ۱۳۷۵، قانون‌گذار در ماده ۶۱۹ کتاب تعزیرات قانون مجازات اسلامی، اطفال را نیز به قلمرو بزه‌دیدگان این جرم وارد نمود. بنابراین در حال حاضر مزاحمت نسبت به پسران تا ۱۵ سال تمام قمری نیز در قلمرو این جرم وارد می‌شود.

ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی بدون آن که تعریفی از مزاحمت جنسی به عمل آورد، آن را بدین ترتیب مطرح ساخته است: «هر کس در اماکن عمومی یا معابر، متعرض یا مزاحم اطفال یا زنان بشود یا با الفاظ و حرکات مخالف شئون و حیثیت به آنان توهین کند به حبس از دو تا شش ماه و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد». در این ماده قانون‌گذار بدون ارائه تعریف، به ایجاد مزاحمت برای اطفال و زنان اشاره می‌کند. مضاف بر آن، تعرض به این افراد و توهین با الفاظ و حرکات مخالف شئون و حیثیت که در واقع انواعی از مزاحمت است، نیز در کنار آن مطرح ساخته است.

جرم‌انگاری مندرج در ماده ۶۱۹ مبتنی بر ملاحظات بزه‌دیدنه‌شناسانه بوده و فلسفه وضع آن، آسیب‌پذیری بیشتر بزه‌دیدگان بالقوه این جرم (زنان و اطفال) است. مضاف بر این، این گونه مزاحمت‌ها عفت و اخلاق عمومی را نیز جریحه‌دار می‌سازد و به همین دلیل است که بر خلاف جرم توهین ساده (ماده ۶۰۸) که قابل گذشت است، جرم موضوع این ماده غیرقابل گذشت محسوب شده است.

با توجه به طیف گسترده رفتارهایی که در قلمرو مزاحمت جنسی قرار می‌گیرد، بیان تعریفی جامع و مانع از آن چندان آسان نیست؛ اما تمرکز بر وجوه اشتراکی که این رفتارها دارند، ما را در جهت نیل به هدف کمک می‌کند. از نظر عنصر مادی، مزاحمت جنسی طیف وسیعی از رفتارهای لفظی و غیرلفظی را در بر می‌گیرد. رفتارهایی که نوعاً مرعوب‌کننده، آزاردهنده و یا تحقیرکننده هستند. البته باید توجه داشت که مزاحمت جنسی جرمی مطلق بوده و تحقق نتیجه به این معنا که عملاً فرد از رفتار ارتكابی ناراحت شده و یا نزد جمع معینی تحقیر شود، شرط نیست.

ویژگی مهم جرم مزاحمت جنسی آن است که در آن بزه‌دیدنه به عنوان یک سوژه جنسی دیده می‌شود. مثلاً اگر مردی در خیابان به علت اختلاف در محل پارک اتومبیل با خانمی درگیری پیدا کرده و فارغ از هویت جنسی‌اش وی را مورد فحاشی قرار دهد، این نوع توهین را بایستی خارج از جرم مزاحمت و در قلمرو توهین ساده (ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی) وارد نمود.

هر چند بسیاری از رفتارهای تشکیل دهنده این جرم، دارای ماهیت جنسی هستند، اما مزاحمت جنسی لزوماً به رفتارهای جنسی محدود نمی‌گردد. هرگونه رفتار آزاردهنده‌ای که با توجه به هویت طرف مقابل به عنوان یک سوژه جنسی صورت پذیرد، مزاحمت جنسی تلقی می‌گردد. مثلاً بکارگیری الفاظ آزاردهنده‌ای که برای تحقیر جنسی یک زن به کار گرفته شود، مصداق این جرم است، هرچند که طبیعت جنسی نداشته باشد.

یکی دیگر از ارکان مزاحمت جنسی عدم رضایت بزه‌دیده است. در هیچ یک از انواع مزاحمت جنسی، سوژه نسبت به شکل‌گیری رفتار رضایت ندارد. بنابراین اگر در مواردی سوژه رفتارهایی چون تماس فیزیکی و لمس اعضای بدن در وسایل نقلیه عمومی و نظایر آن، نسبت به تحقق رفتار ناراضی نباشد، این رفتار را بایستی در قلمرو روابط نامشروع و نه جرم مزاحمت، وارد کرد.

نکته مهمی که در این جا باید مدنظر قرار گیرد آن است که اگر چه در برخی موارد مزاحمت جنسی به صورت ارتکاب مکرر یک رفتار نظیر پیشنهادات جنسی مکرر و یک طرفه صورت می‌پذیرد، اما شرط تحقق این جرم، تعدد رفتارهای ارتكابی نبوده و با یک بار نیز جرم مزاحمت محقق می‌شود. همچنین علنی بودن نیز شرط تحقق این جرم نمی‌باشد. اگرچه مرتکبین جرم مزاحمت جنسی در غالب موارد مردان هستند، اما ارتکاب آن از ناحیه زنان نیز ممکن است. قانون‌گذار نیز با به کارگیری لفظ عام «هر کس» در صدر ماده ۶۱۹، محدودیت خاصی در مورد جنسیت مرتکب مطرح نساخته است. در عمل اکثریت قریب به اتفاق مزاحمت‌ها از ناحیه مردان صورت پذیرفته و مزاحمت از ناحیه زنان به ندرت مشاهده شده است. از طرف دیگر همان گونه که پیش از این هم گفته شد در ماده ۶۱۹، بزه‌دیده مزاحمت جنسی، زن و یا فرد مذکر زیر سن بلوغ می‌باشد و اگر مزاحمت جنسی نسبت به مرد بالغ صورت پذیرد، ممکن است در قلمرو جرایم دیگری نظیر توهین ساده (ماده ۶۰۸) قرار گیرد.

رفتارهای تشکیل دهنده مزاحمت جنسی می‌تواند در محیط‌های عمومی نظیر اماکن عمومی یا معابر و نیز محیط‌های خصوصی شکل بگیرد، اما شاید قانون‌گذار با تصور مبتلا به نبودن مزاحمت جنسی در محیط‌های خصوصی، در جرم‌انگاری مزاحمت شرط مکانی مطرح نموده و آن را محدود به اماکن عمومی و معابر ساخته است. در این ماده منظور از معابر، محل‌های عبور و مرور اعم از کوچه و خیابان است. مراد از اماکن عمومی نیز کلیه اماکنی است که رفت و آمد یا حضور اشخاص در آنها برای عموم مردم یا طبقات خاصی از مردم آزاد باشد؛ نظیر پارک، سینما، دانشگاه و نظایر آن (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۶: ۴۴۳). بنابراین مکان‌های خصوصی نظیر منزل، دفتر وکالت و یا یک شرکت خصوصی کوچک که صرفاً

پذیرای کارکنان محدود خود بوده و ورود عموم به آنجا آزاد نیست، نمی‌تواند مصداق اماکن عمومی قرار گیرد. این در حالی است که امروزه بسیاری از مزاحمت‌های جنسی شغلی در محیط‌های کاری خصوصی نظیر شرکت‌های خصوصی صورت گرفته و این مسأله از ایرادات برجسته این ماده است. در حال حاضر بایستی چنین اعمالی را حسب مورد در قلمرو جرم انگاری‌های دیگری چون ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی (روابط جنسی کمتر از زنا) و یا توهین ساده (ماده ۶۰۸) وارد نمود.

نکته مهم دیگر تفکیک مزاحمت جنسی از روابط نامشروع است. همان گونه که دیدیم رکن کلیدی مزاحمت عدم رضایت بزه‌دیده است. اما روابط نامشروع ممکن است با رضایت طرف مقابل و یا بدون رضایت وی صورت پذیرد. بنابراین روابط جنسی که با رضایت سوژه صورت می‌پذیرد، هیچ گاه در قلمرو مزاحمت وارد نمی‌شود. اما سؤالی که در این جا مطرح می‌شود این است که با توجه به این که مزاحمت شامل تماس‌های فیزیکی نیز می‌شود، وجه ممیزه جرم مزاحمت از روابط جنسی بدون رضایت چیست و چه موقع یک رفتار در قلمرو مزاحمت وارد شده و چه موقع در قلمرو روابط جنسی با اکراه؟ در پاسخ باید گفت مزاحمت فیزیکی مربوط به زمانی است که رابطه جسمانی حالت ابتدایی و اولیه داشته و هدف مرتکب اکتفا به همان سطح بوده (نظیر دست درازی کردن در اتوبوس) و یا این که علی‌رغم هدف مرتکب به پیشروی، در همان سطح اولیه متوقف می‌گردد.

با توجه به آنچه گفته شد می‌توان مزاحمت جنسی را بدین شکل تعریف نمود: «مزاحمت جنسی هرگونه رفتار آزاردهنده، مرعوب‌کننده و یا تحقیرکننده‌ای است که برخلاف رضایت سوژه و با توجه به هویت جنسی وی صورت می‌پذیرد.»

۲.۱.۲. انواع مزاحمت جنسی:

مزاحمت جنسی را می‌توان از منظر نوع رفتار مرتکب و نیز کیفیت ارتباط مرتکب و بزه دیده به دسته‌های مختلفی تقسیم نمود که در ذیل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱.۲.۱.۲. نوع رفتار مرتکب:

مزاحمت جنسی طیف وسیعی از رفتارها را شامل می‌شود. اما در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان آن را به سه دسته کلامی (گفتاری)، غیرکلامی و تعرض فیزیکی (جسمانی) تقسیم نمود (صادقی فسایی و رجب لاریجانی، ۱۳۸۹: ۱۱۶).

۱.۱.۲.۱.۲. مزاحمت کلامی:

مزاحمت‌های جنسی شایع‌ترین انواع بوده و طیف گسترده‌ای از رفتارها شامل انواع متلک‌پرانی‌ها، به‌کارگیری الفاظ رکیک، پیشنهادات جنسی، اظهارنظر در مورد ظاهر و پوشش فرد، شوخی‌های جنسی یا بیان طنزهای جنسی را شامل می‌شود.

۲.۱.۲.۱.۲. مزاحمت غیر کلامی:

اصرار به سوار اتومبیل شدن، چشم‌چرانی، چشمک زدن، فرستادن نامه، یادداشت و پیام الکترونیکی یا تصاویر جنسی و تعقیب فرد در اماکن خلوت، نمونه‌های مزاحمت غیر کلامی است.

۳.۱.۲.۱.۲. تعرض فیزیکی:

تعرض فیزیکی شامل لمس اعضای بدن، سد کردن راه شخص و ممانعت از عبور وی و برخورد جنسی به زور و نظایر آن می‌شود.

۲.۲.۱.۲. کیفیت ارتباط مرتکب و بزه دیده:

از منظر کیفیت ارتباط مرتکب و بزه دیده می‌توان مزاحمت‌های جنسی را به دو دسته مزاحمت‌های بدون شناخت قبلی و مزاحمت‌های مبتنی بر شناخت قبلی تقسیم نمود:

۱.۲.۲.۱.۲. مزاحمت‌های بدون شناخت قبلی:

در این نوع مزاحمت، مرتکب شناخت قبلی از بزه‌دیده نداشته و مزاحمت جنبه موردی و اتفاقی دارد. مرتکب معمولاً در خیابان و مکان‌های عمومی در مواجهه با بزه‌دیده مزاحمت خود را انجام می‌دهد. چون این نوع مزاحمت جنبه اتفاقی دارد، معمولاً از ناحیه بزه‌کار نسبت به یک بزه‌دیده به خصوص به صورت مکرر انجام نمی‌شود.

۲.۲.۲.۱.۲. مزاحمت‌های مبتنی بر شناخت قبلی:

در این نوع مزاحمت، مرتکب معمولاً در محیط کار و نظایر آن ارتباط و تعاملات پیوسته‌ای با سوژه داشته و به دلایل مختلفی چون کنترل و یا استیلا یافتن بر وی، انتقام‌گیری، متقاعد ساختن وی جهت برقراری رابطه جنسی، جلب رضایت وی برای ازدواج، ممانعت از ازدواج

وی با شخص دیگر و نظایر آن، بزه‌دیده را تحت فشار قرار می‌دهد. این نوع مزاحمت معمولاً جنبه مستمر پیدا می‌کند.

۲.۲. مکان‌های شکل‌گیری مزاحمت جنسی:

در کشورهای غربی با توجه به این که غالب مزاحمت‌های جنسی در محیط‌های شغلی پدید می‌آیند، عملاً ادبیات این موضوع معطوف به مزاحمت جنسی در محیط‌های کاری شده است (به عنوان مثال گیدنز، ۱۳۸۵: ۲۱۹). این در حالی است که مزاحمت جنسی قلمرو گسترده‌ای داشته و انواع مختلفی را در بر می‌گیرد. مزاحمت جنسی در هر مکان و در مورد هر فردی ممکن است رخ دهد؛ اما احتمال بروز آن در بعضی از موقعیت‌ها بیشتر است که در ذیل مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۱.۲.۲. خیابان و وسائل نقلیه:

قسمت عمده مزاحمت‌های جنسی در خیابان‌ها، پارک‌ها، مراکز خرید، وسایل نقلیه عمومی و نظایر آن صورت می‌پذیرد. این نوع مزاحمت جنسی اصطلاحاً مزاحمت خیابانی^۱ نامیده شده و بیش از انواع دیگر مزاحمت نمود خارجی دارد. البته با توجه به گستره مکانی شکل‌گیری این نوع مزاحمت، بهتر است آن را «مزاحمت جنسی در فضای عمومی» بخوانیم. مزاحمت خیابانی معمولاً جزء مزاحمت‌های بدون شناخت قبلی است. این نوع مزاحمت در بستر گمنامی اتفاق می‌افتد؛ بر این اساس کمترین میزان مزاحمت‌های خیابانی مربوط به روستاها و شهرهای کوچک و بیشترین میزان وقوع آن مربوط به کلان‌شهرها می‌شود. مزاحمت خیابانی نماد بارز تعرض به حقوق شهروندی است. چون موجب ایجاد ترس و ناامنی اجتماعی در زنان شده و با سلب احساس امنیت، آنها را از بهره‌وری از حقوق اجتماعی‌شان محروم می‌سازد. در ایران اتوبوس‌ها به عنوان گسترده‌ترین وسیله حمل و نقل عمومی دارای دو قسمت مجزا برای زنان و مردان هستند. این تفکیک موجب می‌شود برخورد و اصطکاک زن و مرد در اتوبوس به حداقل خود برسد؛ اما این جداسازی در دیگر وسائل نقلیه عمومی نظیر تاکسی و مینی‌بوس دیده نمی‌شود.



۲.۲.۲. محیط کار:

با توجه به این که هر جا امکان رابطه دو انسان مخصوصاً از دو جنس مخالف به صورت منظم و پیوسته وجود داشته باشد، امکان وقوع مزاحمت جنسی وجود دارد، یکی از محیط‌هایی که در آن مزاحمت جنسی شیوع گسترده‌ای دارد، محیط‌های شغلی است. در کشورهای غربی مزاحمت جنسی خیابانی کمتر بروز پیدا کرده و غالب مزاحمت‌های جنسی در محیط‌های شغلی پدید می‌آیند. شاید به همین خاطر باشد که غالب اسناد بین‌المللی در زمینه مزاحمت جنسی به سمت مزاحمت جنسی شغلی جهت‌گیری پیدا کرده‌اند (ر.ک به مبحث سوم همین فصل).

در ایران هیچ گونه آمار رسمی یا غیررسمی در خصوص میزان مزاحمت جنسی وجود ندارد؛ تنها گزارشی که توسط «کمیته جمع آوری اسناد و گزارش‌های ستاد مبارزه با خشونت علیه زنان در ایران» در سال ۱۳۸۲ منتشر گردید، بدون ذکر آمار حاکی از رواج گسترده مزاحمت جنسی در محیط‌های شغلی است. البته در ایران بایستی بین محیط‌های شغلی دولتی و خصوصی تفکیک قائل شد. در محیط‌های دولتی با توجه به این که نظارت‌های شدیدی حاکم بوده و چنین رفتارهایی با پاسخ‌های نسبتاً سنگینی مواجه می‌شوند، میزان مزاحمت جنسی نسبتاً اندک است؛ اما در محیط‌های خصوصی مزاحمت جنسی شیوع گسترده‌ای دارد (صادقی فسایی و رجب لاریجانی، ۱۳۸۹: ۱۲۳).

کمیسیون فرصت‌های برابر شغلی در آمریکا تعریفی از مزاحمت جنسی در محیط کار ارائه داده که به شرح زیر است: «پیشروی جنسی ناخوشایند، درخواست توجه جنسی و دیگر رفتارهای کلامی یا جسمی دارای ماهیت جنسی که پذیرش یا رد این رفتار به صورت صریح یا ضمنی بر اشتغال فرد اثر گذاشته و یا به شکل غیرمنطقی بر عملکرد شغلی فرد موثر واقع شده یا یک محیط شغلی رعب آور، خصمانه یا آزاردهنده پدید می‌آورد.» (EEOC, p. 10)

در مشاغلی که نظام سلسله مراتبی وجود داشته و شرایط فرادست و فرودستی حاکم است، امکان ایجاد مزاحمت جنسی به مراتب افزایش می‌یابد. در این حالت، پذیرفتن پیشنهاد از سوی بزه‌دیده، منافع و ترفیع موقعیت شغلی را در پی دارد و عدم پذیرش این درخواست، منجر به حذف امتیازات، جریمه یا حتی اخراج از کار می‌شود. در واقع، در این نوع مزاحمت، فرد دارای قدرت و برتری، از نفوذ و اقتدار خود در جهت نیل به اهداف غیر مشروع سوء استفاده کرده و بزه‌دیده در اکثر مواقع، به خاطر از دست ندادن شغل یا مرتبه خود، مجبور به پذیرش چنین پیشنهادهای می‌شود. البته مزاحمت جنسی شغلی ممکن است از ناحیه همکارانی که هم رتبه بزه‌دیده و یا حتی پایین‌تر از وی هستند نیز

صورت پذیرد، اما ارتکاب آن از ناحیه افراد فرادست بزه‌دیده شایع‌تر بوده و آثار و عواقب عمیق‌تری به جا می‌گذارد.

مزاحمت‌های شغلی محیط کار را تبدیل به فضایی ناامن و نامطمئن ساخته و از این جهت موجب کاهش بازدهی کارکنان، کاهش رضایت شغلی و حتی گاه ترک شغل می‌گردد. زنانی که در محیط کار خود دچار مزاحمت جنسی می‌شوند در وضعیت پیچیده‌ای قرار می‌گیرند: از طرفی وضعیت نابسامان اقتصادی نظیر فقر، تورم، نابرابری اقتصادی آنها را به ماندن ترغیب می‌کند و از طرفی این زنان غالباً قادر به تمرکز بر روی کار خود نیستند و در این حالت کاهش بهره‌وری این زنان را بیشتر در موقعیت اخراج از کار قرار می‌دهد که نتیجه مضاعف آن، فقر و وابستگی و آسیب‌پذیری بیشتر است. از این رو است که مزاحمت شغلی علاوه بر ماهیت خشونت‌آمیز خود دارای طبیعتی تبعیض‌آمیز نیز می‌باشد.

۳.۲.۲. محیط آموزشی:

دانشجویان به دلیل حضور در محیطی که در آن توازن قدرت وجود ندارد و به دلیل نوعی بی‌تجربگی و ناآگاهی نسبت به این مسأله، بیشتر از گروه‌های دیگر در معرض مزاحمت جنسی قرار می‌گیرند. در کشور ما دختران و پسران آموزش خاصی در خصوص نحوه تعامل با جنس مقابل و معاشرت توأم با احترام متقابل فرا نمی‌گیرند. با توجه به اینکه در ایران مدارس مختلط وجود ندارد، اولین تماس دختر و پسر در محیط‌های علمی دانشگاهی و آموزشگاه‌ها یعنی در جاهایی که حداقل سن دختران و پسران ۱۸ سال است، اتفاق می‌افتد. تغییر فضای آموزشی از تک جنسیتی به دو جنسیتی، بدون فراگیری الگوی رفتاری که بایستی در چنین محیط‌هایی حاکم باشد، موجب شکل‌گیری مسایل مختلفی از جمله مزاحمت جنسی می‌گردد. در این محیط‌ها دختران و زنان از جانب دانشجویان پسر و یا افراد دیگر دچار مزاحمت جنسی می‌شوند.

۳.۲. مزاحمت جنسی در اسناد فراملی:

در کشورهای غربی که روابط زنان و مردان حالت آزادانه‌تر دارد، مزاحمت خیابانی نادرتر بوده و مزاحمت‌های جنسی بیشتر در محیط‌های شغلی صورت می‌گیرند. در واقع در این کشورها، مزاحمت جنسی بیشتر از نوع مزاحمت جنسی مبتنی بر شناخت قبلی است که در فضای مراوده و ارتباط مستمر شکل می‌گیرد. در کشورهایی که روابط میان مرد و زن با محدودیت‌های بیشتری مواجه است، به جای مزاحمت‌های جنسی شغلی، مزاحمت خیابانی شیوع پیدا می‌کند. چون در این کشورها یا حضور زنان در محیط‌های شغلی محدود و ناچیز

است و یا این که در صورت حضور، معمولاً نظارت‌های سیستمی سخت‌گیرانه‌ای حاکم است که مانع گسترش و شیوع مزاحمت جنسی می‌گردد. در این حالت، مزاحمت‌های جنسی به محیط‌هایی منتقل می‌گردد که از کنترل و نظارت کمتری برخوردار است، یعنی خیابان‌ها، معابر و اماکن عمومی چون پارک‌ها و... از این رو است که در این کشورها مزاحمت خیابانی بر مزاحمت شغلی پیشی می‌گیرد.

اسناد متعدد بین‌المللی مزاحمت جنسی را گاه به عنوان یکی از اشکال خشونت و گاه به عنوان یکی از مصادیق تبعیض علیه زنان مدنظر قرار داده‌اند:

۱.۳.۲. کنوانسیون محو همه اشکال تبعیض علیه زنان:^۱

این کنوانسیون که در سال ۱۹۷۹ به تصویب رسید، به صورت مستقیم به مزاحمت جنسی نمی‌پردازد. اما از دولت‌های عضو می‌خواهد اقدامات ضروری به منظور محو اشکال مختلف تبعیض علیه زنان در همه زمینه‌ها خصوصاً در محیط کار، آموزش و زندگی اجتماعی به عمل آورند (مواد ۷ تا ۱۶). توصیه نامه شماره ۱۹ سازمان ملل در زمینه کنوانسیون، مزاحمت جنسی را مصادیقی از تبعیض علیه زنان دانسته است. دولت ایران تاکنون به این کنوانسیون نپیوسته است.

۲.۳.۲. اعلامیه محو خشونت علیه زنان:^۲

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در اعلامیه محو خشونت علیه زنان مصوب ۱۹۹۳، به مساله مزاحمت جنسی پرداخته است. بند ب ماده ۲ این اعلامیه، مزاحمت جنسی را یکی از اشکال خشونت علیه زنان دانسته است. بند د ماده ۴ نیز خواهان به‌کارگیری رویکردهای پیشگیرانه و نیز استفاده از ضمانت اجراهای کیفری، مدنی و اداری جهت کنترل این پدیده است.

۳.۳.۲. کنوانسیون بلم دو پارا:^۳

کنوانسیون بین‌آمریکایی پیشگیری، مجازات و ریشه‌کن‌سازی خشونت علیه زنان^۴ مشهور به کنوانسیون بلم دو پارا که در سال ۱۹۹۴ در شهر بلم دو پارای برزیل منعقد شد، در ماده ۲

1. Convention on the Elimination of all Forms of Discrimination Against Women
2. Declaration on the Elimination of Violence Against Women
3. Belem do Para Convention
4. Inter-American Convention on the Prevension, Punishment and Eradiction of Violence Agains Women

مزاحمت جنسی در محیط کار، محیط آموزشی، مراکز بهداشتی و... را مصداقی از خشونت علیه زنان دانسته است.

۴.۳.۲. کنوانسیون پیشگیری و مبارزه با خشونت علیه زنان و خشونت خانگی^۱

این کنوانسیون که در سال ۲۰۱۱ به تصویب شورای اروپا رسید در مقدمه خود مزاحمت جنسی را در کنار رفتارهای دیگری چون تجاوز جنسی، ازدواج اجباری و ختنه کردن دختران، مصداق نقض جدی حقوق بشر و مانعی بزرگ جهت دستیابی به برابری بین زن و مرد می‌داند. ماده ۴۰ این کنوانسیون به صورت خاص به مزاحمت جنسی پرداخته و کشورهای عضو را ملزم می‌کند «همه اشکال رفتارهای لفظی، غیرلفظی و جسمانی که ماهیت جنسی داشته و بدون رضایت و با هدف نقض کرامت یک انسان انجام شده و یا عملاً چنین اثری دارد»، را جرم‌انگاری کنند. این کنوانسیون از این لحاظ حائز اهمیت است که برخلاف اسناد قبلی که صرفاً به ذکر عنوان مزاحمت جنسی اکتفا می‌کردند، عملاً تعریفی از این رفتار به دست می‌دهد.

۳. مزاحمت جنسی؛ از منظر بزه‌دیده شناسی:

یکی از ابعاد مهم تحلیل جرم‌شناختی مزاحمت جنسی شناسایی آثار فردی و اجتماعی این جرم و نیز کیفیت واکنش بزه‌دیدگان نسبت به آن است. واکنش‌هایی که اغلب بعد منفعلانه داشته و خود از عوامل تأثیرگذار در شکل‌گیری و تداوم مزاحمت‌ها است. بر این اساس در این فصل در دو مبحث به پیامدهای منفی مزاحمت جنسی و واکنش بزه‌دیدگان نسبت به آن می‌پردازیم.

۱.۳. پیامدهای منفی مزاحمت جنسی:

مزاحمت جنسی از جمله جرایمی است که آثار غیرمستقیم فردی و اجتماعی آن از اثرات مستقیمش شدیدتر و زیان‌بارتر است. رفتارهایی چون متلک پرانی، چشم‌چرانی و نظایر آن، ممکن است در نگاه اول فاقد آثار ملموس و عینی و یا واجد اثرات بسیار جزئی محسوب شوند، اما همین رفتارها در سطح کلان موجب می‌گردد احساس امنیت در سطح جامعه به شدت کاهش یابد؛ تا جایی که حتی احساس ناامنی ناشی از مزاحمت جنسی از جرایم شدیدی چون اعمال تروریستی، سرقت مسلحانه و نظایر آن شایع‌تر و گسترده‌تر است. چون

1. Convention on Preventing and Combating Violence against Women and Domestic Violence

یک شهروند ممکن است هیچ گاه در طول زندگی‌اش با چنین جرایمی مواجه نگردد، اما مزاحمت جنسی معضل روزانه زندگی اجتماعی خصوصاً در کلان شهرها است. در ذیل مهمترین آثار اجتماعی و فردی مزاحمت را بررسی می‌نماییم.

۱.۱.۳. آسیب‌های اجتماعی:

۱.۱.۱.۳. کاهش مشارکت اجتماعی زنان:

مزاحمت‌های جنسی با افزایش ضریب احساس ناامنی اجتماعی، موجب ترس از حضور در جامعه و در نتیجه محدود شدن آزادی‌های فردی و کاهش مشارکت زنان در عرصه اجتماعی می‌شود. محدودیت‌هایی که زنان در رفت و آمدهای خود به محل‌های معین یا ساعات مشخصی از شبانه روز به عمل می‌آورند و خودداری از پذیرش برخی از مشاغل خصوصاً آنهایی که در محیط‌های مردانه است، نمونه‌هایی از این محدودیت‌ها است. این جرم با توجه به رویت‌پذیری بالای خود موجب لطمه به اخلاق عمومی و شکل‌گیری یک محیط اجتماعی آلوده، آزار دهنده و ناامن می‌گردد. بر همین اساس است که قانون‌گذار آن را جزء جرایم غیرقابل گذشت دانسته و اولاً بدون شکایت شاکی خصوصی قابل تعقیب و رسیدگی است؛ ثانیاً گذشت شاکی خصوصی مانع از ادامه تعقیب و رسیدگی به این جرم نیست.

۲.۱.۱.۳. افزایش خشونت و رفتارهای پر خاشگرانه:

افزایش رفتارهای پر خاشگرانه و شکل‌گیری نزاع و درگیری از طرف خود بزه‌دیده و یا نزدیکان وی و حتی گاه، افراد بیگانه‌ای که برای دفاع از وی مداخله می‌کنند، پدیده نسبتاً شایعی است که متأسفانه در مواردی منتهی به جراحتهای شدید و حتی قتل شده است. برای ملاحظه نمونه‌هایی از مزاحمت جنسی که منجر به قتل و یا ضرب و جرح گردیده است نگاه کنید به هاشمی (۱۳۹۰).

واکنش زنان بزه‌دیده نسبت به پدیده مزاحمت جنسی، معمولاً به صورت فاصله گرفتن از فرد مزاحم و سکوت بوده و میل به تلافی و واکنش‌های تهاجمی کمتر در میان آنها وجود دارد. اما واکنش نزدیکان مذکر فرد بزه‌دیده، غالباً به صورت رفتارهای خشن و تهاجمی است. علت این امر تعصبات شدیدی است که در فرهنگ ما وجود دارد. به گونه‌ای که حتی در صورت عدم واکنش و یا ملایمت در عکس‌العمل، ممکن است فرد با برچسب‌هایی چون بزدل و بی‌غیرت مواجه گردد.

ترس از بروز واکنش‌های شدید از ناحیه اطرافیان موجب می‌گردد در بسیاری از موارد بزه‌دیده ترجیح دهد وقوع مزاحمت را با نزدیکان خود نظیر پدر و یا برادر در میان نگذارد.

آموزش نحوه مواجهه و واکنش نسبت به مزاحمت، می‌تواند در پیشگیری از عکس‌العمل‌های پرخاشگرانه و نیز اتخاذ اقدامات حمایتی مناسب برای بزه‌دیدگان موثر باشد.

۳.۱.۱.۳. افزایش از هم گسیختگی اجتماعی:

مزاحمت جنسی، خصوصاً نوع خیابانی آن، از جمله جرایمی است که رویت‌پذیری بالایی دارد. شیوع گسترده این رفتار در محیط اجتماعی این احساس را پدید می‌آورد که گویی جامعه به حال خود رها شده و نظارت اجتماعی رسمی و غیر رسمی خاصی در آن حاکم نیست. این بستر فضا را برای شکل‌گیری و گسترش سایر جرایم فراهم می‌سازد. از طرف دیگر شیوع این جرم، آن را تبدیل به مساله‌ای روزمره و عادی ساخته که شهروندان ناچارند آن را تحمل نموده و با آن کنار بیایند؛ این امر وجدان عمومی جامعه را نسبت به وقوع ناهنجاری‌های اجتماعی بی تفاوت می‌نماید.

افراد با دیدن کثرت مزاحمت‌های خیابانی نقش خود در محافظت از هنجارهای اجتماعی را کم رنگ و کم رنگ‌تر دیده، احساس مسوولیتشان ضعیف‌تر شده و به نوعی بی تفاوتی اجتماعی مبتلا می‌شوند. همچنین شکل‌گیری روزمره مزاحمت‌ها در منظر کودکان و نوجوانان، فرایند جامعه‌پذیری و آموزش هنجارهای اجتماعی را در آنها به مخاطره انداخته و بدون آگاهی و گزینش دقیق از خوبی یا بدی، چنین رفتارهایی را به عنوان مصادیقی از رفتارهای سرگرم کننده و جهت پر کردن اوقات فراغت خود می‌بینند (آقاجانی، ۱۳۸۳: ۱۶۸). در چنین فضایی، قبح اجتماعی مزاحمت جنسی شکسته شده و در نتیجه واکنش اجتماعی علیه آن کاهش می‌یابد. حاصل این موارد، آشفتگی در روابط اجتماعی از جهت اخلاقی و فرهنگی است.

۲.۱.۳. آسیب‌های فردی:

بعد دیگر پیامدهای منفی مزاحمت جنسی شکل‌گیری آسیب‌های فردی است. آثار و پیامدهای شخصی مزاحمت جنسی به عوامل مختلفی چون نوع رفتار، طول مدت بروز رفتار و شدت آن، قابلیت‌های روحی- روانی بزه‌دیده و وجود یا عدم وجود حمایت‌های اجتماعی از بزه‌دیده بستگی دارد. برخی از مزاحمت‌های جنسی چون نگاه‌های هرزه صرفاً حالت آزاردهنده دارد؛ اما بعضی دیگر می‌تواند آثار روحی شدیدتری چون افسردگی و اضطراب شدید به جا گذارد. در برخی موارد مزاحمت‌های جنسی شدید و مزمن آثار روانی شدیدی در حد جرایمی چون تجاوز جنسی به جا گذاشته است. به عنوان نمونه در سال ۱۹۹۵ یک

دختر آمریکایی به نام جودی کافلین که توسط کارفرما و همکارانش به صورت مزمن و طولانی مدت مورد مزاحمت جنسی قرار گرفته بود، خودکشی نمود (Koss, 1987: 81).
مهم‌ترین آسیب‌های فردی مزاحمت جنسی عبارت‌اند از: (Preke, 2005: 23)
۱. کاهش عملکرد شغلی یا تحصیلی بزه‌دیده در نتیجه استرس و یا ترس از تکرار مزاحمت؛

۲. از دست دادن موقعیت‌های ارتقای شغلی و یا حتی خود شغل و حرفه و ترس از پذیرش موقعیت‌های شغلی جدید و حتی انزوای اجتماعی؛

۳. شایعه سازی و شایعه پراکنی نسبت به بزه‌دیده و برچسب خوردن وی؛

۴. لطمه به شخصیت و هویت بزه‌دیده؛

۵. بی اعتمادی و احساس انزجار نسبت به افرادی که در موقعیت مرتکب قرار دارند؛

مثلاً نسبت به روسا و مسوولین محیط شغلی و یا حتی نسبت به مردان به صورت کلی؛

۶. مشکلات جسمانی نظیر افزایش فشار خون، سردرد، اختلالات گوارشی، اختلال در خواب یا غذاخوردن و ...؛

۷. احساس ضعف و حقارت و از دست دادن اعتماد به نفس و انگیزه و حتی احساس

انزجار از زن بودن؛

۸. افسردگی، اضطراب و دلهره.

۲.۳. واکنش بزه‌دیدگان به مزاحمت جنسی:

واکنش بزه‌دیدگان نسبت به مزاحمت جنسی متنوع و متفاوت بوده و از سکوت و کم محلی یا ترک موقعیت تا ناسزاگویی و درگیری فیزیکی را شامل می‌شود. این واکنش‌ها را می‌توان به دو دسته «واکنش‌های فعالانه» و «واکنش‌های منفعلانه» تقسیم نمود. نوع واکنش به فاکتورهای متعددی چون کیفیت مزاحمت، موقعیت زمانی- مکانی، تعداد مزاحمان و شخصیت بزه‌دیده بستگی دارد. اما واکنش معمول و غالب زنان در این زمینه، سکوت کردن است که جزء واکنش‌های منفعلانه می‌باشد. در واقع در حال حاضر زنان، مزاحمت جنسی، خصوصاً مزاحمت خیابانی را پدیده‌ای عادی و رایج و جزء لاینفک زندگی روزمره خود قلمداد کرده و غالباً به این پدیده اعتراض نمی‌کنند.

به عنوان نمونه مطالعه‌ای که در تهران روی شماری از زنان ۱۵ تا ۳۵ سال صورت پذیرفته است، نشان می‌دهد ۷۲/۵ درصد در مقابل نگاه‌های معنادار، ۶۲/۵ درصد در مقابل متلک‌های زننده و ۱۲/۵ درصد در مقابل لمس اعضای بدن سکوت می‌کنند. این در حالی است که بیش از ۶۰ درصد از زنان سابقه نوعی تعرض را داشته‌اند که شامل نگاه‌های

معنادار، متلک‌های زننده و لمس اعضای بدن بوده است (انتخاب، ۱۳۹۰). البته هرچه تعرض‌ها از حالت غیر فیزیکی خارج شده و به حالت فیزیکی نزدیک‌تر می‌شود عکس‌العمل‌ها نیز تندتر می‌شود. تحقیقی دیگر نیز مبین واکنش منفعلانه ۷۰ درصد از پاسخ‌گویان به مزاحمت‌های خیابانی است (ایمان و همکاران، ۱۳۹۰: ۸۹).

اگرچه این عمل در ایران جرم انگاری شده و حق شکایت کیفری وجود دارد، اما بزه‌دیدگان مزاحمت جنسی به دلایل مختلفی چون دشواری اثبات جرم، ترس از برچسب خوردن، ترس از انتقام‌گیری و همچنین نداشتن زمان کافی و توان و حوصله جسمی و روانی برای پیگیری موارد متعددی که روزانه با آن مواجهند، تمایل چندانی به طرح شکایت کیفری و پیگیری آن ندارند. همین امر مرتکبین را گستاخ‌تر نموده و خیال آنها را آسوده می‌سازد که رفتارشان با واکنش کیفری مواجه نخواهد شد.

از طرف دیگر برخی از مزاحمین این سکوت را به معنای رضایت تعبیر کرده و معتقدند اگر زنی از رفتار مردی خوشش نیاید، حتماً عکس‌العمل نشان می‌دهد. اما عدم اعتراض زنان در این موقعیت‌ها و در واقع رویکرد منفعل آنان نسبت به پدیده مزاحمت، دلایل دیگری دارد که در ذیل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱.۲.۳. شرم و حیا و حفظ آبرو:

مهم‌ترین دلیل سکوت زنان حفظ آبرویشان است. تابو بودن مسائل جنسی در جامعه ما بیش از هر چیز دیگری سبب مسکوت ماندن این قبیل مسائل می‌شود. شرم و حیای زنان نسبت به طرح و تشریح ماوقعی که غالباً ماهیت جنسی دارد، نظیر متلک‌ها و رفتارهای ناپسند جنسی که مرتکب روا داشته است، موجب می‌گردد در بسیاری موارد بزه‌دیدگان مصلحت را در پوشیده نگه داشتن ماوقع ببینند.

۲.۲.۳. ترس از برچسب خوردن:

متأسفانه غالباً در صورت شکل‌گیری مزاحمت جنسی، جامعه خود زن را متهم می‌کند. نگرشی که در سطح جامعه وجود داشته و رسانه‌های عمومی آن را ترویج می‌کنند این است که در اکثر موارد نوع رفتار و پوشش زن عامل بروز چنین رفتارهایی است و ترس از مقصر شناخته شدن خود فرد در شکل‌گیری واقعه و انگ و برچسب بی بند و بار خوردن، موجب می‌گردد در غالب موارد بزه‌دیده ترجیح دهد از طرح شکایت یا بیان موضوع برای نزدیکان خود منصرف گردد.

۳.۲.۳. تردید درباره نتیجه بخش بودن شکایت:

اگرچه مزاحمت جنسی در حقوق ایران و بسیاری از کشورهای جهان جرم انگاری شده است، اما بررسی‌ها نشان می‌دهد با وجود شیوع گسترده این جرم و ارتکاب مکرر آن، عملاً موارد شکایت کیفری و نیز محکومیت کیفری مرتکبین بسیار ناچیز است. در واقع تعداد موارد شکایت و پیگیری این جرم بسیار کم است.

مهم‌ترین مانع سر راه شکایت و پیگیری پرونده، مسأله اثبات جرم و وجود دلایل کافی است. ماهیت مزاحمت جنسی خصوصاً مزاحمت خیابانی به گونه‌ای است که اثبات آن بسیار دشوار است. معمولاً متهم اقرار به جرم نکرده و سند و مدرک مکتوبی هم که اثبات کننده جرم باشد، وجود ندارد. شهود نیز معمولاً به دلیل کمبود وقت حاضر نیستند برای موضوع ظاهراً کم اهمیتی چون مزاحمت جنسی وقت و هزینه گذارند. به همین دلیل است که با وجود شیوع کمتر مزاحمت تلفنی نسبت به مزاحمت جنسی، تعداد پرونده‌ها و آرای صادره در خصوص آن بیشتر است. چون ثبت مکالمات و پیام‌های کوتاه تلفنی در مخابرات، اثبات جرم را آسان‌تر می‌سازد.

مضاف بر این با توجه به شیوع بسیار زیاد این پدیده، اگر خانمی بخواهد به دنبال شکایت و تعقیب کیفری مرتکبین باشد، عملاً باید کار و فعالیت‌های روزمره خود را تعطیل نموده و همه روزه چندین پرونده کیفری در دادسرا مطرح نماید. از این رو، معمولاً بزه‌دیدگان مزاحمت جنسی تمایلی به طرح شکایت ندارند.

۴.۲.۳. ترس از واکنش افراطی نزدیکان:

بسیاری از زنان از ترس واکنش‌های افراطی و خشونت آمیز نزدیکان خود نسبت به مرتکب، ترجیح می‌دهند ماجرای مزاحمت‌های جنسی را برای پدر، برادر یا همسر خود بازگو نکنند که البته این اشتباه در بسیاری از موارد موجب بدبینی آنها می‌شود. زنان و دختران باید بیاموزند که مزاحمت‌های جنسی را با خانواده خود در میان بگذارند. البته از سوی دیگر اعضای خانواده نیز بایستی آموزش‌های لازم در جهت اتخاذ یک واکنش منطقی و مناسب در پاسخ به پدیده مزاحمت فراگیرند.

۵.۲.۳. تنگناهای اقتصادی و نگرانی بابت از دست دادن شغل:

همان گونه که دیدیم دسته‌ای از مزاحمت‌های جنسی در محیط شغلی و معمولاً از ناحیه افرادی که فرادست بزه‌دیده هستند، صورت می‌پذیرد. در بسیاری از موارد تنگناهای اقتصادی و ترس از دست دادن شغل موجب می‌گردد بزه‌دیده در قبال مزاحمت‌های مکرر

سکوت اختیار کرده و حتی در مواردی به شکل ناخواسته به روابط جنسی در محیط‌های شغلی تن در دهد.

۶.۲.۳. ترس از محدود شدن:

در برخی از موارد زنان و دختران از ترس محدودیت‌هایی که همسر و یا سایر اعضای خانواده ممکن است در رفت و آمد و یا اشتغال آنها در بیرون از منزل و یا حتی در نوع پوشش آنها به وجود آورند، ترجیح می‌دهند قضیه را به سکوت واگذار نموده و از افشای آن برای نزدیکانشان خودداری نمایند.

۴. علت‌شناسی مزاحمت جنسی و پیشگیری از آن:

مزاحمت جنسی نیز همچون سایر جرایم متأثر از عوامل فردی و اجتماعی مختلفی است که در راستای پیشگیری از آن بایستی شناخت دقیقی از این عوامل به دست آورد. بر این اساس در این فصل، ابتدا به بررسی مهمترین عوامل شکل‌گیری مزاحمت جنسی پرداخته و آن‌گاه در مبحث دوم به راه‌کارهای پیشگیری از این جرم می‌پردازیم.

۱.۴. عوامل شکل‌گیری مزاحمت جنسی:

معمولاً وقتی صحبت از مزاحمت جنسی می‌شود، در وهله نخست نگاه‌ها متمرکز بر نوع پوشش و ظاهری است که زنان و دختران با آن در محیط اجتماعی ظاهر شده و در واقع در غالب موارد انگشت اتهام متوجه خود برده‌دیده است. این در حالی است که اولاً از یک سو انواعی از مزاحمت جنسی ارتباطی به پوشش سوژه نداشته و دامنه‌ای فراگیر و گسترده دارد و از سوی دیگر در شکل‌گیری این پدیده عوامل متعددی فراتر از وجود یک آماج مناسب نقش دارند. در ذیل به بررسی مهم‌ترین این عوامل می‌پردازیم.

۱.۱.۴. جامعه‌پذیری جنسیتی:

جامعه‌پذیری جنسیتی به معنای آموختن و درونی کردن رفتارهایی است که جامعه بر اساس جنسیت فرد (اعم از زن و مرد) از او انتظار داشته و برای وی مناسب می‌داند. فضای فرهنگی حاکم بر بسیاری از جوامع متمایل به یادگیری و نهادینه شدن مزاحمت جنسی است و در واقع ارتکاب این رفتار و پذیرش آن به عنوان قسمتی از نقش‌های جنسی مرد و زن تعریف می‌شود.

پسرها از دوران نوجوانی می‌بینند مردان می‌توانند به راحتی و بدون هیچ دردسری در اماکن عمومی برای زنان ایجاد مزاحمت کنند و هنگامی که در گروه همسالان هستند این رفتار به‌عنوان نشانه بزرگی و مردانگی تلقی می‌شود. بنابراین، این رفتار طی فرایند جامعه‌پذیری پسران آموخته و در گروه همسالان تقویت می‌شود. از سوی دیگر تجربه‌های متعدد زنان در این زمینه باعث می‌شود که آن را امری طبیعی تلقی کرده و برای این که بیشتر مورد مزاحمت قرار نگیرند در برابر آن سکوت کنند. در نتیجه رفتارهای مزاحمت‌آمیز توسط مردان شایع شده و طی فرایند جامعه‌پذیری نسل به نسل ادامه می‌یابد (ایمان و همکاران، ۱۳۹۰: ۷۱).

۲.۱.۴. ارضای تمایلات و هیجانات جنسی و عاطفی:

ارضای نیازهای جنسی در چند سطح صورت می‌پذیرد: سطح نخست ارتباط کلامی است. برخی از افراد تلاش دارند با ارتباط کلامی، ولو از طریق ناخوشایند و نادرست، به این نیاز خودشان پاسخ دهند. سطح بالاتر ارضای نیازهای جنسی، تماس‌های فیزیکی است که شکل منحرفانه آن در قالب مزاحمت‌های فیزیکی جلوه‌گر می‌گردد. بنابراین گاه مزاحمت‌های جنسی در جهت ارضا شدن و تخلیه میل جنسی فرد مزاحم صورت می‌پذیرد. حتی گاه مزاحمت‌ها نتیجه رد تقاضای برقراری رابطه جنسی از ناحیه طرف مقابل است. فردی که برای ایجاد رابطه تلاش می‌کند اما با پاسخ منفی طرف مقابل مواجه می‌شود، به راحتی می‌تواند تبدیل به یک مزاحم شود.

در جوامع سنتی گذشته سن ازدواج پایین بود؛ اما در حال حاضر به دلیل تغییر الگوهای زیست در جامعه، بین بلوغ جنسی و ازدواج فاصله ایجاد شده است. در جامعه ما هیچ طرحی برای پر کردن این فاصله وجود ندارد. با بالا رفتن سن ازدواج به علت لزوم اتمام تحصیلات، خدمت سربازی، عدم یافتن شغل مناسب، مسکن و ... بخشی از نیازهای طبیعی بی‌پاسخ مانده و چون به صورت منطقی و مشروع امکان پاسخ‌گویی به آن فراهم نیست، به شکل کج‌روانه و ناهنجار و در قالب مزاحمت‌های جنسی نمود پیدا می‌کند. بنابراین بخشی از مزاحمت‌های جنسی ناشی از همین فاصله است که جامعه برای آن هیچ راهکاری نداشته و رهاپس کرده است.

همچنین بخشی از مزاحمت‌های خیابانی از طرف افرادی است که قادر به ارضای نیازهای عاطفی و جنسی خود در محیط خانواده نبوده و به خیابان روی می‌آورند. بر این اساس برخی از محققین بر این باورند که بایستی در کنار اصطلاح زنان خیابانی، مفهوم مردان خیابانی نیز مورد توجه قرار گیرد. عنوان مردان خیابانی به کسانی اطلاق می‌شود که

خیابان را به عنوان منبعی جهت برآورده کردن نیازهای عاطفی، روانی و جنسی خود می‌دانند (پیراسته، ۱۳۸۸). این افراد کسانی هستند که به نوعی از خانواده خود طرد شده یا خانواده آن‌ها از بافت منسجم و ساختار به هنجاری برخوردار نبوده و بنابراین قادر به ارضای نیازهای عاطفی و یا جنسی آنها نیست. بنابراین این افراد برای ارضای نیازهای خود به محیطی غیر از خانه و خانواده متوسل می‌شوند.

از طرف دیگر برخی از جوانان به مزاحمت جنسی به عنوان یک سرگرمی و رفتار هیجانی نگاه می‌کنند. بسیاری از جوانان هیچگاه به صورت انفرادی برای دیگری ایجاد مزاحمت نمی‌کنند، اما وقتی در یک جمع چند نفره از دوستان و همسالان خود قرار می‌گیرند، تحت تأثیر جو حاکم بر گروه و برای نشان دادن تهور خود، سرگرمی و یا تخلیه هیجانات جنسی به متلک پرانی و ایجاد مزاحمت می‌پردازند. رفتار انسان در جمع متفاوت از رفتار وی به صورت انفرادی است و این می‌تواند تبیین‌کننده بسیاری از مزاحمت‌های خیابانی جمعی و گروهی باشد. از طرف دیگر در جوامعی که ساختار بسته‌ای داشته و جنس زن و مرد تعامل چندانی با یکدیگر ندارند، مزاحمت جنسی گاه ماهیت کنجکاوانه داشته و در جهت ارزیابی کیفیت ارتباط با جنس مخالف صورت می‌پذیرد.

۳.۱.۴. فرهنگ جنسیتی:

گاه ابراز قدرت و برتری و تحقیر جنسی طرف مقابل، عامل لذت بردن مرتکب از مزاحمت جنسی است. برخی از مزاحمان، از ایجاد رعب و هراس در زنان لذت برده و از این که می‌بینند با اقدام تهدیدآمیز آنان، رنگ از چهره دختری پریده است یا دستانش به لرزش افتاده و یا تقلای رها شدن از دست آنان را دارد، لذت می‌برند. دیدن ضعف و التماس و خواری بزه‌دیده، به آنان احساس قدرت و برتری و گاه احساس شخصیتی کاذب می‌دهد. جالب است که حتی گاه شنیدن ناسزاهای از روی عصبانیت نیز آنها را به نتیجه مطلوب و دلخواهشان می‌رساند.

منشأ چنین رفتارهایی را باید در تحولات اجتماعی نوین دید. در دهه‌های اخیر زنان استقلال بیشتری پیدا کرده، موقعیت‌های شغلی فراوان‌تری برای آنها ایجاد شده و در مجموع فعالیت‌های اجتماعی آنها بیشتر شده است. این تحولات، روابط قدرت را تغییر داده و زنان را در موقعیتی برابر و حتی گاه برتر از مردان قرار داده است. برخی از مردان از این وضعیت احساس خطر کرده و تلاش می‌کنند قدرت خود را به شکلی نشان داده و برتری خود را ثابت نمایند. در واقع در این حالت مزاحمت ابزار ابراز قدرت مردانه و تأیید‌کننده فرادست بودن فاعل نسبت به سوژه است. تحقیر جنسی زنان به شکل روزمره، برای تأکید بر

فرودست بودن جنس آنها و خاطر نشان کردن درجه دوم بودنشان است. «مزاحمت جنسی در بستری تحقق می‌یابد که مناسبات قدرت به شدت نابرابر است و این مزاحمت‌ها عاملی برای حفظ و باز تولید روابط نابرابر در جامعه است.» (Anderson, 2006: 103). در جوامعی که تبعیض جنسی به صورت نهادینه شده و در بطن روابط اجتماعی وجود دارد، سوءاستفاده از قدرت و تحقیر جنسی زن که در واقع اشکالی از مزاحمت جنسی هستند، بسیار شایع است.

در این فرهنگ کرامت ذاتی زن و قابلیت وی جهت مشارکت فعال در امور اجتماعی نادیده گرفته شده و صرفاً در حد یک سوژه جنسی و ابزار اطفای شهوت مرد دیده می‌شود. مردانی که در فرهنگ‌های مردسالارانه رشد می‌یابند، حتی ممکن است فکر کنند زنان مزاحمت را مطالبه می‌کنند. از طرف دیگر، نگاه مردسالارانه حاکم بر جامعه موجب می‌گردد برخی از مردان تصور کنند حق مداخله در نحوه عملکرد و فعالیت‌های روزمره زنان (ولو زنان غریبه) را داشته و کنترل رفتارهای این قشر بر عهده آنان است.

تا زمانی که نابرابری جنسی در جوامع بشری پافشاری می‌کند، از یک طرف ساختارهای فرهنگی-اجتماعی موجود حاکمیت دیدگاه مردسالار را تقویت می‌کند و از طرف دیگر بزه‌دیدگان مزاحمت جنسی تمایلی به بیان مشکلاتشان نداشته و هر گونه صحبت آزادانه یا حتی توضیح در مورد تجربه مزاحمت را رد می‌کنند (Noah, 2008: 122).

۴.۱.۴. سرزنش بزه‌دیده و برچسب زدن به وی:

در بسیاری از موارد بزه‌دیده مزاحمت جنسی به دلیل شکل پوشش و یا نحوه رفتارشان انگ و برچسب بی‌بند و بار خورده و در واقع شکل‌گیری واقعه به عملکرد خود وی منتسب می‌گردد. تمایل عمومی به سرزنش بزه‌دیده موجب می‌گردد در بسیاری از موارد بزه‌دیدگان از پیگیری و شکایت از مرتکبین اجتناب ورزند؛ چون در این موارد بیشتر از آن که رفتار مرتکب مورد بررسی قرار گیرد، پوشش و رفتار بزه‌دیده مورد تجزیه و تحلیل واقع می‌شود. حتی این طرز تفکر در میان خود بزه‌دیدگان نیز وجود دارد و غالب آنها خود را در شکل‌گیری واقعه مقصر دانسته و احساس می‌کنند به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم بزه‌کار را به سمت خود دعوت نموده‌اند. این نیز به نوبه خود در عدم تمایل آنها به شکایت و یا حتی طرح مسأله برای نزدیکان خود موثر است.

مقصر جلوه دادن زنان و تأکید بیش از حد بر این که شیوه‌های رفتار و ظاهر زنان، مردان را تحریک کرده و به کارهای خلاف عفت عمومی وا می‌دارد، نه تنها از مشکلات نمی‌کاهد، بلکه مانند شمشیری دولبه‌ای است که از یک سو مردان مزاحم را در این کار جسورتر

کرده و از سوی دیگر زنان را برای این که مقصر قلمداد نشوند به سکوت وادار می‌کند. این عدم اعتراض باعث می‌شود هم مزاحمان بی‌هیچ دغدغه‌ای به آزارهای خود ادامه دهند و هم زنان بزه‌دیده با سکوت اجباری خود در برابر این آزارها، بهداشت روان خود را از دست داده و در عرصه‌های اجتماعی به یک نیروی منفعل، بدون اعتماد به نفس و سست عنصر تبدیل شوند؛ به طوری که توان انجام کارهای معمول اجتماعی خود را نداشته و از کارایی شان به شدت کاسته شود (ایمان و همکاران، ۱۳۹۰: ۹۰).

از سوی دیگر حتی در بسیاری از موارد، سایر زنان نیز نسبت به بزه‌دیده احساس همدردی نمی‌کنند. گاه احساس حسادت نسبت به زیبایی و جذابیت جنسی بزه‌دیده که موجب جذب مرد مرتکب به سمت وی شده است، موجب می‌گردد سایر زنان به شکلی خصمانه با وی برخورد نمایند. همچنین برخی از زنان تصور می‌کنند زنان بد پوشش با رفتار خود فساد را در جامعه ترویج داده و همین افراد منشأ شکل‌گیری مزاحمت جنسی در جامعه و حتی نسبت به سایر زنان هستند؛ بنابراین نگاه خصمانه‌ای نسبت به این افراد دارند. تبعاً این موارد موجب تجری مرتکبین شده و چراغ سبزی برای ادامه فعالیت‌های آنان و توجیه این رفتارها است. این نوع برخوردهای اجتماعی و مقصر اصلی جلوه دادن بزه‌دیدگان، حاشیه امن را برای افراد مزاحم بیشتر می‌کند. نباید فراموش کرد که نه به معنای نه است و وقتی زن مایل به برقراری رابطه نیست، نوع پوشش و نحوه رفتار وی نمی‌تواند طرف مقابل را ذی‌حق سازد.

۵.۱.۴. عدم انطباق با الگوهای پوششی و رفتاری جامعه:

نوع پوشش و آرایش و همچنین نحوه رفتار زنان از عوامل موثر بر مزاحمت‌های جنسی خصوصاً مزاحمت‌های خیابانی است. نوع پوشش افراد نخستین شاخص و معیار قضاوت درباره آنها است، از این رو هنگامی که فردی با مشکلات اخلاقی با زنی مواجه می‌شود که هنجارها و ارزش‌های اجتماعی را در سبک رفتار و لباسی که بر تن دارد رعایت نکرده است، به خود این اجازه را می‌دهد که قدم در حریم خصوصی وی بگذارد. بر همین مبنا است که برخی از نویسندگان یکی از مهمترین کارکردهای حجاب و پوشش اسلامی را کارکرد پیشگیرانه وضعی برای حمایت از زن در مقابل بزه‌دیدگی دانسته‌اند (آقابابایی و موسوی، ۱۳۹۱: ۴۷).

این مسأله مختص جامعه ما نبوده و حتی در جوامع غربی نیز چنین وضعیت‌هایی وجود دارد. در واقع در هر جامعه مجموعه‌ای از معیارهای پوششی و رفتاری برای بانوان حاکم است و زنانی که از این الگوهای رفتاری تبعیت نکنند به صورت بالقوه در معرض مزاحمت

جنسی قرار می‌گیرند. نکته جالب آن که حتی داشتن پوشش فراتر از معیارهای جامعه نیز ممکن است چنین واکنش‌هایی را ایجاد نماید. مثلاً اگر خانمی با روبنده در خیابان‌های تهران قدم زند ممکن است خود را در معرض انواع متلک‌ها قرار دهد، در حالی که داشتن همین پوشش در شهر مکه متعارف و طبیعی است.

اگر چه نوع پوشش و ظاهری که زنان و دختران با آن در جامعه ظاهر می‌شوند، در تصمیم‌گیری مزاحمین نسبت به پیش‌قدم شدن جهت مزاحمت و یا عدم آن، دخالت مستقیم دارد، اما نباید فراموش کرد که تقریباً همه زنان در هر موقعیت سنی و با هر نوع حجاب و پوشش و با هر ترکیب ظاهر و چهره با مزاحمت‌های جنسی روبرو می‌شوند؛ بنابراین نباید این عامل را «علت منحصر به فرد» شکل‌گیری مزاحمت جنسی دانست.

۲.۴. راه‌های پیشگیری:

۱.۲.۴. روش کیفری:

همان گونه که گفته شد در حقوق ایران و سایر کشورهای دنیا، مزاحمت جنسی جرم‌انگاری شده و قابل تعقیب کیفری و مجازات است. حتی در کشور ما در راستای مقابله با این پدیده اجتماعی، در قالب برنامه‌هایی چون طرح مقابله با مزاحمین نوامیس و طرح امنیت اجتماعی، بیشترین تأکید بر روش کیفری بوده است. این در حالی است که با توجه به کثرت وقوع این جرم، خرد بودن و دشواری اثبات آن، برخورد کیفری نه کارآمدی لازم را داشته و نه از دیدگاه هزینه-فایده مقرون به صرفه می‌باشد. بر این اساس وضع ماده ۶۱۹ را نمی‌توان متضمن حمایت جامع و فراگیری نسبت به بزه‌دیدگان آسیب‌پذیر این جرم دانست. البته تسهیل فرایند رسیدگی کیفری و رفع بوروکراسی‌های اداری، می‌تواند به صورت نسبی فرایند شکایت و پیگیری آن را تسهیل نموده و موجب افزایش کارایی رویکرد کیفری گردد.

در مسایل اجتماعی هیچ پدیده‌ای صرفاً یک دلیل ندارد و همان گونه که دیدیم مجموعه‌ای از عوامل باعث تشدید این ناهنجاری و آسیب اجتماعی در جامعه امروز ایران شده است. راهبردهایی مثل تشدید مبارزه قانونی با مزاحمین نوامیس از اقدامات کوتاه مدتی است که ممکن است همچون یک مُسکن به صورت مقطعی بر کاهش بروز این ناهنجاری کمک کند، اما این امر کافی نبوده و بایستی تمرکز بر زمینه‌های اجتماعی این معضل مانند تصحیح نگاه درباره جنس مخالف و آموزش رفتار صحیح در قبال جنس دیگر در میان مدت و بلند مدت، مدنظر قرار گیرد. تمرکز بر روش‌های دیگر پیشگیری مؤثرتر و کارآمدتر بوده و ابزاری مؤثرتر از قانون نیاز است و آن فرهنگ درستی است که از کودکی آموخته شود.

۲.۲.۴. روش غیرکیفری:

مزاحمت جنسی رفتاری است که فرد آن را در میان انبوهی از زمینه‌های غریزی و تربیتی یاد گرفته و زمینه‌های اجتماعی، بستر آن را فراهم می‌کند. اگر کودک در محیط خانواده و اجتماع، چیزی جز تحقیر و سرزنش زن نبیند، نمی‌توان انتظار داشت در دوره جوانی برخوردی انسانی و محترمانه با جنس مونث داشته باشد. پسران باید در محیط خانواده و مدرسه بیاموزند که زن محترم است و کرامت ذاتی وی باید حفظ گردد. نکته جالب آن است که اگر چه زنان در محیط جامعه مورد مزاحمت مردان قرار می‌گیرند، اما به عنوان یک مادر در محیط خانواده به فرزندان خود احترام به زن و حقوق وی را آموزش نمی‌دهند. روابط اجتماعی بایستی بر پایه حقوق و تکالیف متقابل شهروندان بنا نهاده شده و افراد یاد گیرند حریم یکدیگر را در نظر گرفته و محترم بشمارند.

یکی از دلایل بروز چنین آسیب‌هایی در روابط اجتماعی این است که خانواده، نظام آموزشی و به طور کلی جامعه ما به جای این که نحوه تعامل صحیح میان دو جنس مخالف را نهادینه سازند، صرفاً تلاش کرده‌اند از طریق جداسازی و یا تبیین ممنوعیات، آسیب‌های جنسی را کنترل کنند. با توجه به این واقعیت که در جامعه امروزی مردان و زنان در کنار یکدیگر به کار و فعالیت و تحصیل مشغولند، رویکرد جداسازی چاره کار نبوده و باید تعامل و ارتباط صحیح میان دو جنس را آموزش داد.

تغییر و اصلاح نوع تفکر و نگاهی که نسبت به زنان وجود دارد و اصلاح فرهنگ جنسیتی که زنان را به عنوان شهروندان درجه دوم و یا سوژه‌ای جنسی جهت اطفای امیال جنسی مردان می‌بیند و توجه به کرامت ذاتی زن و قابلیت وی در نقش‌آفرینی فعال در امور اجتماعی، نیازمند عزم جدی و مشارکت فعال خانواده، مدرسه، رسانه‌ها و سیاستگذاران اجتماعی و فرهنگی است.

از سوی دیگر پیشگیری از جرم مزاحمت نیازمند بهسازی فضای اجتماعی از طریق کاهش زمینه‌های ایجاد مزاحمت در مرتکبین است. بیکاری و بی‌برنامگی در اوقات فراغت، از جمله عوامل بروز بسیاری از رفتارهای نابهنجار و غیراجتماعی در جوانان است. وقتی روزانه شاهد عده زیادی از جوانانی هستیم که به صورت گروهی و بدون هیچ برنامه‌ای در حال گذران وقت و پرسه زدن در مراکز غیرتفریحی چون خیابان، فروشگاه‌ها و مراکز خرید هستند، این میزان بالای مزاحمت جنسی نیز غیرطبیعی و دور از انتظار نخواهد بود. ایجاد و توسعه فضاهای فرهنگی و ورزشی جهت تخلیه انرژی جوانان و سوق دادن آنها از پرسه زدن در خیابان‌ها و فروشگاه‌ها به سمت چنین محیط‌هایی، نقش عمده‌ای در کاهش مزاحمت‌های خیابانی خواهد داشت.

در سطح فردی تقویت عزت و اعتماد به نفس در قالب برنامه‌های توانمندسازی سبب می‌گردد زنان به جای سرزنش خود یا ترس از برچسب خوردن، در برابر مزاحمت جنسی واکنش مناسب نشان دهند. همچنین زنانی که در برابر مزاحمت‌ها واکنش نشان می‌دهند، صرف‌نظر از موثر بودن یا نبودن واکنش، کمتر از سایرین دچار افسردگی و سایر آسیب‌های روانی می‌گردند (صادقی فسایی و رجب لاریجانی، ۱۳۹۰: ۸۵).

۵. نتیجه‌گیری:

تحولات اجتماعی دهه‌های اخیر و شکل‌گیری فرصت‌های شغلی برابر برای زنان، حضور آنها در محیط جامعه به صورت کلی و نیز محیط‌های شغلی بیرون از خانه را افزایش داده است. به گونه‌ای که حتی در مشاغلی چون معماری و مهندسی برق و مکانیک که پیش از این به مردان اختصاص داشت، فرصت‌های متعددی برای حضور زنان فراهم شده است. برخلاف گذشته که برای زن در خانه ماندن و مستور بودن یک ارزش محسوب می‌شد، امروزه اشتغال در بیرون از خانه و داشتن روابط و تعاملات اجتماعی قوی‌تر، ارزش به‌شمار می‌آید. افزایش مشارکت اجتماعی زنان در کنار عوامل مختلفی چون قدرت برتر جسمانی و تمایلات غریزی شدید مردان و وجود محیط‌های مردانه، موجب شده مزاحمت جنسی تبدیل به پدیده‌ای شایع در جوامع نوین گردد.

در این فضا به نظر می‌رسد بایستی تفکر جامعه سنتی که بیشتر برای زنان بایدها و نبایدهای اخلاقی تعریف کرده و در صورت شکل‌گیری پدیده مزاحمت، انگشت اتهام را به سوی آنها می‌گرفت، کنار گذاشته و با تنظیم اشکال جدید روابط اجتماعی و تعیین ضوابط رفتار در این محیط، درصد مدیریت فضای نوین برآمد.

مزاحمت جنسی علی‌رغم خرد بودن واجد آثار فردی و اجتماعی گسترده‌ای است که مهمترین آنها افزایش از هم گسیختگی اجتماعی و کاهش مشارکت اجتماعی بانوان است. با توجه به دامنه و نرخ بالای وقوع این جرم، آثار زیانبار آن از بسیاری از جرایم خشونت‌آمیز فراتر است و از این رو نیاز مبرم به توجه و عزم جدی سیاست‌گذاران در ریشه‌یابی و پیشگیری از این معضل اجتماعی وجود دارد.

روش‌ها و راهکارهایی که تاکنون برای رفع معضل مزاحمت جنسی اعمال شده‌اند، سلیقه‌ای، مقطعی، سطحی، کوتاه مدت و بدون آسیب‌شناسی واقعی و همه جانبه بوده‌اند. هر جا صحبت از مزاحمت جنسی می‌کنیم باید از مردان خیابانی هم نام ببریم؛ زیرا این معضل مشکلی است که روی دو پایه بنا شده و وقتی ما یک پایه را از صورت مسأله حذف کنیم، به نتیجه مطلوب نمی‌رسیم. اساساً تاکنون هیچ برنامه عملی و استراتژی تدوین شده‌ای در این

رابطه وجود نداشته و به همین دلیل است که روز به روز شاهد پیچیده‌تر شدن موضوع هستیم.

آموزش نحوه مواجهه و واکنش نسبت به مزاحمت، می‌تواند در پیشگیری از واکنش‌های پرخاشگرانه و نیز اتخاذ اقدامات حمایتی مناسب برای بزه‌دیدگان موثر باشد. رسانه‌ها و نهادهایی آموزشی بایستی برای کمرنگ کردن کلیشه‌های جنسیتی که همواره زنان را به سکوت فرا می‌خوانند و اعتراض آنها را حتی زمانی که حقی از آنان ضایع شده، نشانه‌ای از عدم متانت و وقار آنها می‌دانند، تلاش کنند.

تهیه برنامه‌های آموزشی جهت ارتقای دانش جنسیتی افراد و آموزش نحوه تعامل صحیح زن و مرد و اصلاح نگرش‌ها و طرز تلقی‌های منفی دو جنس نسبت به یکدیگر، نیز از دیگر رویکردهایی است که به خصوص بایستی از طرف سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در زمینه حقوق زنان و رسانه‌ها دنبال شود.

از منظر حقوقی مزاحمت جنسی محدود به قلمرو مکانی خاصی (نظیر معابر و اماکن عمومی) نبوده و ضروری است قانونگذار نسبت به اصلاح ماده ۶۱۹ و حذف شرط قلمرو مکانی موجود در آن اقدام نماید.

۶. منابع و مأخذ:

الف. فارسی:

۱. آقابابایی، حسین و موسوی، ریحانه (۱۳۹۱)، «پیشگیری از بزه‌دیدگی زنان از منظر آموزه‌های اسلامی و چالش‌های فرارو»، *آموزه‌های حقوق کیفری*، شماره ۴، صص ۵۴-۳۵.
۲. آقاجانی، نصرا... (۱۳۸۳)، «تکثر خشونت در آزارهای خیابانی»، *کتاب زنان*، سال ششم، شماره ۲۳، صص ۱۸۸-۱۶۰.
۳. انتخاب (۱۳۹۰)، ۶۰ درصد زنان تهرانی سابقه تعرض جنسی دارند، قابل دسترسی در: <http://www.entekhab.ir/fa/news/38721> (Accessed August 10, 2013).
۴. ایمان، محمد تقی و همکاران (۱۳۹۰)، «زنان، مزاحمت و واکنش: بررسی تجربه دختران دانشجو درباره مزاحمت‌های خیابانی و واکنش به آن»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره دوازدهم، شماره ۳، صص ۹۳-۶۳.
۵. پیراسته، زهرا (۱۳۸۸)، «جامعه‌شناسی مزاحمت‌های خیابانی»، *روزنامه اعتماد*، ۱۳۸۸/۴/۱۷.
۶. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، *لغت‌نامه دهخدا*، دوره ۱۶ جلدی، جلد سیزدهم، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه تهران.

۷. ذکایی، محمد سعید (۱۳۸۴)، *مزاحمت جنسی برای زنان در محیط‌های مختلف*، تهران: آرشیو سازمان ملی جوانان.
۸. صادقی فسایی، سهیلا و رجب لاریجانی، مهسا (۱۳۹۰)، «استراتژی‌های توانمندسازی زنان در مقابله با آزارهای جنسی در محیط کار»، *زن، حقوق و توسعه (تحقیقات زنان)*، سال پنجم، شماره سوم، صص ۷۱-۹۸.
۹. صادقی فسایی، سهیلا و رجب لاریجانی، مهسا (۱۳۸۹)، «مطالعه جامعه‌شناختی آزار جنسی زنان در محیط کار»، *زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)*، دوره ۸، شماره ۳، صص ۱۱۱-۱۳۴.
۱۰. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۵)، *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، چاپ شانزدهم، تهران: نشر نی.
۱۱. میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۸۶)، *جرایم علیه اشخاص*، چاپ نخست، تهران: نشر میزان.
۱۲. هاشمی، فرشته (۱۳۹۰)، *نگاهی به آلبوم قتل در مزاحمت‌های خیابانی*، قابل دسترسی

در:

<http://www.tebyan.net/newmobile.aspx/Comment/adabi-honari/83/index.aspx?pid=235173> (Accessed August 9, 2013).

ب. خارجی:

1. Anderson, Margaret L (2006), **Thinking about Women: Sociological Perspectives on Sex and Gender**, Allyn & Bacon.
2. Preke, Truida (2005), **Sexual Harrasment: Causes, Consequences and Cures**, Available at: <http://www.westerncape.gov.za/eng/pubs/guides/S/63925/5> (Accessed August 12, 2013).
3. Koss, Mary P. (1987), "**Changed Lives: The Psychological Impact of Sexual Harassment.**" in *Ivory Power: Sexual Harassment on Campus*, Albany, NY, State University of New York Press, pp. 73-92.
4. Noah, Yusuf (2008), Experience of sexual Harassment at Work by Female Employee in Nigerian Work Environment, **International NGO journal**, Vol. 3 (7).
5. EEOC (U.S. Equal Employment Opportunity Commission), **Facts about Sexual Harassment**, Available at: <http://www.eeoc.gov/facts/fs-sex.html> (Accessed August 12, 2013).